

باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سلامتهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

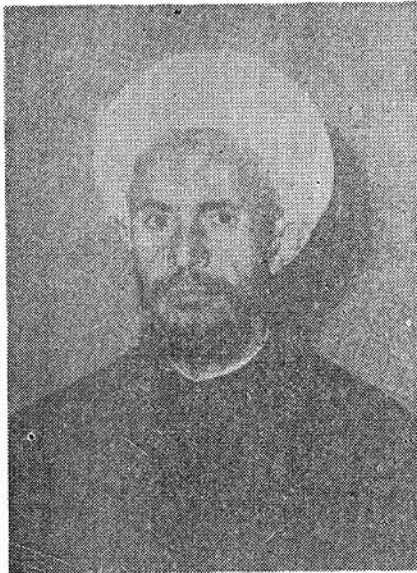
« جریده باختر امروز »
نشریه
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد الخامس والاربعون
السنة الثالثة
آب ۱۹۷۲
المرحلة الرابعة

شهریور - ۱۳۵۲

دوره چهارم

شماره - ۴۵ - سال سوم

اخبار



★ حجت الاسلام آقای سید عبدالرحیم ربانی شیرازی را با دو فرزندشان دستگیر نموده‌اند. ایشان از مبارزان قدیمی و سرسخت روحانیت مترقی میباشند و به طرفداری از مبارزات مسلحانه مشهورند.

طبق اخبار رسیده ایشان را بعد از دستگیری به یکی از شکنجه‌گاهها روانه کرده‌اند. وضع ایشان در زیر شکنجه وخیم شده است.

★ در باختر امروز شماره ۴۴ در بخش اخبار مربوط به فرار انقلابیون از زندان ساری، اشتباهها آمده است که « سپهبد مینباشیان رئیس کمیته مبارزه با بخرانکاران شخصا به ساری مسافرت میکند » که خبر صحیح آن اینست که ارتشبد اویسی فرمانده نیروی زمینی به ساری مسافرت کرده بود، و باین وسیله تصحیح میشود.

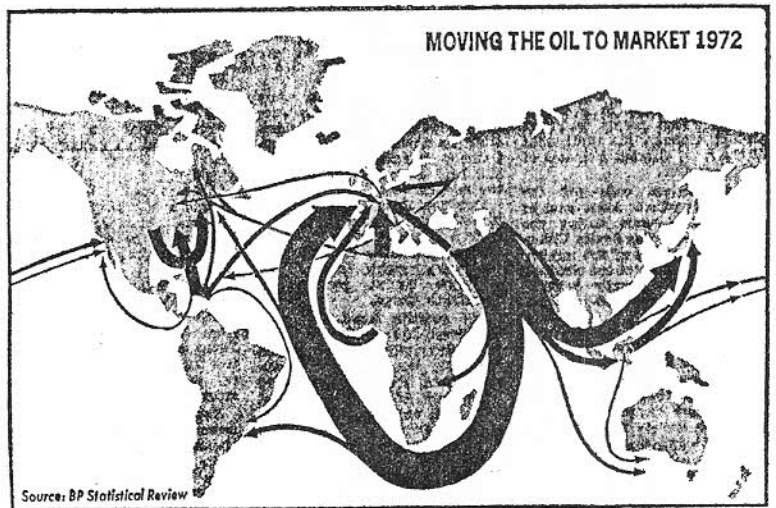
★ طبق اطلاعی که بدست ما رسیده، متن کامل کتاب « جنگ مسلحانه، هم استرژای هم تاکتیک » نوشته چریک شهباز فدائی خلق، مسعود احمدزاده، همراه با ضمیمه‌ای توسط چریکهای فدائی خلق در ایران تکثیر یافته است. باین وسیله با اطلاع هم میهنان مرسانیم که پس از دریافت متن کامل اثر انقلابی مزبور آنرا تجدید چاپ و منتشر خواهیم کرد.

★ از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش خاورمیانه)، ماهیانه نشریه ای بزبان عربی، تحت عنوان « ایران الثورة » انتشار خواهد یافت تا جنبش انقلابی میهن خود را به توده های عرب معرفی نموده، همبستگی انقلابی خلقهای خاورمیانه را علیه امپریالیسم و ارتجاع تحکیم بخشیم.

سرمایه گذاری در انتهای جریان

سرمایه گذاری داون استریم برای چیست و چرا نیکسون دلال کمپانی‌های نفتی، شاه را جلالت مآب می‌خواند

متخصصین انرژی امپریالیسم سالها است که متوجه بحران قریب الوقوع انرژی در جهان بوده‌اند والی رقابت‌های داخلی ماهیتی جناح‌های مختلف سرمایه‌داری و منافع آنی آنان باعث شده بود که تا « خطر » بالاخره بسیار نزدیک نشود، نتوانند اقدام جدی برای مقابله با آن بعمل آورند. از حدود ۴۵ سال پیش نزدیک شدن این خطر کاملا محسوس شد و وابستگی امریکا به نفت خاورمیانه جدی‌تر (اورپا و ژاپن اسالها با تمام وجود وابسته باین نفت بودند) شمای زیر، میزان در صد وابستگی کشورهای مختلف را به منطقه خاور میانه و نفت آن نشان میدهد. فقط اندکی توجه کافی است که نشان دهد



INTERNATIONAL HERALD TRIBUNE, MONDAY, JULY 9, 1973

که چگونه این منطقه بعنوان شاه‌رک حیاتی امپریالیسم در آمده و چرا تصور توقف، حتی موقتی، نفت لوزه بر اندام سرمایه‌داری می‌اندازد.

طرح‌های امپریالیسم تا بوجد آوردن منابع جدید انرژی « غیر نفتی » دو هدف اساسی را در بر میگیرد:

- ۱- تضمین جریان نفت از خاور میانه به غرب تا زمانی که این نفت تمام شود.
- ۲- جلوگیری از خروج ارز از کشورهای امپریالیستی تاحد ممکن.

برای تامین این دو هدف اساسی، برنامه‌هایی ریخته شد که هر يك از این برنامه‌ها، يك یا هر دو اهداف بالا را در بر میگرفت.

اول - تقویت نیروهای ارتجاعی طرفدار غرب در خاور میانه چه مستقیما و چه بطور لیر مستقیم از طریق عوامل دست نشانده محلی، و یا بقول سناتور فولبرایت امریکائی « قائم مقامان امریکا » (به مقاله خرده امپریالیسم - باختر امروز شماره ۳۸ مراجعه شود).

دوم - انعقاد قرار دادهای طولیل‌المده برای خریدن نفت (به مقاله قرار داد جدید نفت و خیانت دیگر شاه - باختر امروز شماره ۴۱ مراجعه شود). این برنامه (بشرط موفقیت) هر دو هدف را تعقیب میکند. از يك جانب جریان نفت را تضمین میکند و از جانب دیگر با تثبیت قیمت در قبال تورم روز افزون غرب، نفع مآلی کلانی به امپریالیسم مرساند. (مطابق قراردادهای نرخ تورم سالیانه ۲/۵٪ پیش بینی شده است در حالیکه میزان متوسط تورم بیش از ۶٪ بقیه در صفحه ۲

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپریالیسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

ارقام و امار دقیق

تولید و فروش نفت ایران در ۲۰ سال آینده

سال	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	
فروش کنسرسيوم	۴۸۳۲	۵۰۷۲	۵۵۱۶	۵۹۴۳	۶۴۲۲	۶۹۱۴	۷۳۹۷	۷۸۸۰	۸۳۶۳	۸۸۴۶	۹۳۲۹	۹۸۱۲	۱۰۲۹۵	۱۰۷۷۸	۱۱۲۶۱	۱۱۷۴۴	۱۲۲۲۷	۱۲۷۱۰	۱۳۱۹۳	۱۳۶۷۶	۱۴۱۵۹	۱۴۶۴۲
مصارف داخلی	۲۸۴۰	۳۰۰۴	۳۰۷۲	۳۱۴۰	۳۲۰۸	۳۲۷۶	۳۳۴۴	۳۴۱۲	۳۴۸۰	۳۵۴۸	۳۶۱۶	۳۶۸۴	۳۷۵۲	۳۸۲۰	۳۸۸۸	۳۹۵۶	۴۰۲۴	۴۰۹۲	۴۱۶۰	۴۲۲۸	۴۲۹۶	۴۳۶۴
صادرات مستقیم شرکت نفت	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰	۱۱۰۰	۱۲۰۰	۱۳۰۰	۱۴۰۰	۱۵۰۰	۱۶۰۰	۱۷۰۰	۱۸۰۰	۱۹۰۰	۲۰۰۰	۲۱۰۰	۲۲۰۰	۲۳۰۰
تولید کن نفت خام	۵۳۱۶	۵۶۷۷	۶۰۳۸	۶۴۰۰	۶۷۶۱	۷۱۲۲	۷۴۸۳	۷۸۴۴	۸۲۰۵	۸۵۶۶	۸۹۲۷	۹۲۸۸	۹۶۴۹	۱۰۰۱۰	۱۰۳۷۱	۱۰۷۳۲	۱۱۰۹۳	۱۱۴۵۴	۱۱۸۱۵	۱۲۱۷۶	۱۲۵۳۷	۱۲۸۹۸

بقیه - سرمایه گذاری

بقیه از صفحه ۱

است و تمام شواهد حاکی است که بسیار بالاتر خواهد رفت .

با همه اینها ، حدت بحران انرژی ، امپریالیسم را متوجه کرد که صرفاً روی این برنامه‌ها نمیتواند حساب کند و محتاج به تضمین‌های بیشتری است . زیرا ، با وجود تظاهر به ثبات ، رژیم‌های ارتجاعی منطقه نشان داده‌اند که چقدر متزلزل هستند . نه تنها نیروهای انقلابی خواهند توانست منافع امپریالیسم را به خطر جدی بیندازند ، بلکه با بازبهای سیاسی ، محظورات ارتجاعیون و حتی کودتاهایی که سیر به دامان دیگر امپریالیست‌ها میسایند ، میتوانند در نحوه جریان نفت تاثیر بگذارند . وقتی که حتی ملك فيصل ارتجاعی مجبور میشود بعنوان سمبولیک جریان نفت را یکساعت قطع کند ، اثر فشار افکار عمومی مردم خاور میانه محسوس میشود . امپریالیسم با وجود اطمینان خاطری که به سرپرستی کسانی مانند ملك فيصل دارد ، مطمئن نیست که روزی فشار افکار عمومی او را مجبور نکند که ژست‌های عوام‌فریبانه دیگر نگیرد (به تظاهر عربستان سعودی به فشار به کمپانی‌های نفتی آمریکا و وادار کردن کمپانی استاندارد اوپل به اتخاذ موضع طرفداری تصنعی و ظاهری از اعراب توجه کنید . با وجود آنکه واقعیت این جنگ‌های زرگری میان تر از آنست که احتیاج به روشنگری داشته باشد ، معیناً امپریالیسم ، در شرایط دلخواهش حتی حاضر به تماشای چنین نمایشاتی هم نیست . کودتای اخیر افغانستان نیز نشان داد که برای امپریالیسم صرف تکیه بر حکومت‌های مشخص کافی نیست بلکه باید تضمین‌های بیشتری برای خود بوجود آورد . این يك طرف قضیه است و اما ملاحظه مهم دیگر اینست که در سالهای آینده میزان خروج ارز بابت پرداخت بهای نفت سرعت فوق‌العاده‌ای بالا خواهد رفت . آمریکا اکنون سالیانه بیش از يك میلیارد دلار پول بابت بهای نفت به خارج میپردازد . این میزان مطابق پیش بینی خود آنها در ظرف ۱۰ سال آینده به سالیانه ۲۵-۱۵ میلیارد دلار خواهد رسید . این رقم سرسام آور ، چیزی نیست که آمریکا بخواهد یا بتواند از آن صرف نظر کند . بعد از همه حساب‌سازي‌ها ، بعد از همه کلک‌ها ، بعد از اینهمه کوشش برای نگاه داشتن حکومت‌های ارتجاعی و تثبیت قیمت و ... تازه باید سالیانه ۲۵-۱۵ میلیارد دلار پول نفت بپردازد و این رقمی است که سرمایه‌داری محتضر قادر به پذیرفتن آن نیست .

این ملاحظات ، امپریالیسم را مجبور به ارائه طرحی کرد که از ۳ سال پیش آنرا آهسته آهسته توسط عوامل و ابادی محلی خود مطرح کردند تا به مردم بنمایاند که طراح آن امپریالیسم نیست و خود کشورهای « مستقل » هستند که آنرا میخواهند . این طرح چیزی است که آنرا سرمایه‌گذاری در انتهای

از کوچکترین اوامر امپریالیسم اطاعت کند . میلیاردها ثروت آن در دست امپریالیسم است ، يك بی لطفی کافی است که همه چیز را بباد دهد . این است ماهیت آن چیزی که شاه از سفر خود به آمریکا برای ملت ایران سوغات آورد . این است هدیه‌ای که برای دریافتش مردم را به استقبال شاه کشانند . معمولاً وقتی سرداری شکست میخورد روی بازگشت را ندارد . حالا این سردار (!) وطن فروش ، این دلالی که با يك امضاء ثروت کشور را بباد داده است ، بازگشت پیروزمندانه میکند . زهی گستاخی !

ظاهر قضیه این است که با این قرارداد برای ۲۰ سال دیگر هم نفت از دست رفت ولی اینطور نیست . خواب نفت را برای همیشه دیده‌اند و فاتحه‌اش را خوانده‌اند . به جدول بالای همین صفحه که عیناً از روزنامه اطلاعات ۲ تیر ۱۳۵۲ گرفته شده توجه کنید . در پایان قرارداد (اثر عمر ارتجاع به آنجا بکشد) چیزی که برای مردم ایران میماند برای چراغ موشی کافی است .

ملاحظه میکنید که فروش به کنسرسيوم در سال ۱۹۷۷ به ۶۴۲۲ هزار بشکه روزانه خواهد رسید و در پایان قرارداد (۱۹۹۳) به ۷/۵ هزار بشکه . این بدین معنی نیست که خود ایران فروشنده مستقیم خواهد شد .

در سطر سوم جدول میبینیم که صادرات مستقیم شرکت نفت در سال ۱۹۸۱ به ۱۵۰۰ هزار بشکه روزانه خواهد رسید و در پایان قرارداد به ۷/۵ هزار بشکه ! فاتحه کار را خواندن یعنی این ! در قاموس کلماتی برای بیان این وضع تاسف انگیز وجود ندارد . در همین شماره اطلاعات از قول دکتر فلاح چنین میخوانیم :

دیشب دکتر فلاح امضاء کننده پیش‌نویس قرارداد جدید فروش بیست ساله نفت به کنسرسيوم اعلام کرد در ۲۰ سال آینده ۴۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون بشکه نفت از حوزه قرارداد استخراج خواهد شد که از این مقدار ۲۹ میلیارد آنرا به کنسرسيوم می‌فروشیم ، و ۷/۵ میلیارد بشکه آنرا را بصورت فرآورده ویا مشارکت در تأسیسات نفتی خارج از کشور صادر میکنیم ، و ۴/۰ میلیارد بشکه در داخل کشور مصرف خواهیم کرد . این ارقام که برای اولین بار فاش شد نشان میدهد که تولید در سال جاری ۳۰ میلیون بشکه در روز است ، که تا سال ۱۹۷۷ در رقم حداکثر ۷/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید ، و از آن سال تا سال ۱۹۸۴ این مقدار تولید ثابت نگهداری می‌گردد و از سال ۱۹۸۵ میزان تولید کاهش یافته ، بطوریکه در پایان قرارداد یعنی در سال ۱۹۹۳ روزانه يك میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه خواهد بود .

علت کاهش تولید و صدور بخاطر آنستکه ذخایر مخوفه قبلی در ۲۰ سال آینده و به پایان است بهمین جهت جدول تولید و مصرف و صدور بسر مبنای ذخایر قبلی (حداکثر ۵۰ میلیارد بشکه تخمین زده میشود) طرح ریزی شده است در سال آخر ۹۵ درصد تولید بصرف داخلی میرسد .

وی همچنین توضیح داد که گاز درده بعدی وضع محکتر از نفت بیدخواهد کرد ، و شاید در اواردده ۸۰ و ۹۰ کشور مارا کشور نفتخیزه تکویند بلکه کشور گازخیزه بنامند . برای گاز آینده‌محظنتر و درخشانتر از نفت پیش بینی میشود . ما از لحاظ ذخایر گاز در بین کشور های نفت خیز جهان وضع‌ممتاز و بدون رقابت داریم .

جریان DOWN STREAM INVESTMENT بخوانند در اینجا سرمایه گذاری در انتهای جریان یعنی سرمایه گذاری کشور تولید کننده نفت در موسسات پالایشی و توزیعی در کشور خریدار نفت . اولین مرتجع منطقه که پس از يك دوره مذاکرات با کمپانی‌های امریکائی ، مبلغ آن شد شیخ یمانی عامل سر سپرده و وزیر نفت عربستان سعودی بود و اولین مرتجعی که حاضر به امضاء آن شد شاه ایران . بر اساس این برنامه بجای اینکه مثلا آمریکا پول‌نفت را به ایران بپردازد ، این پول را برای ایران در آمریکا سرمایه‌گذاری میکند (در صناعت نفت) . بقول شاه ، ایران شریک (!) امریکا در تصفیه‌خانه‌ها و پمپ بنزین و ... میشود .

اما ببینیم چه توطئه‌هایی در پشت این سرمایه گذاری پنهان است . توطئه‌هایی که حتی مقامات امریکائی از فرط خوشحالی از فاش کردن آنها ایسا ندارند و با آب تاب آنرا در وصف پیروزی بزرگ خود و همکاری بزرگ منشانه شاه توصیف میکنند . وقتی که طرف حساب نوکر پای بوسی است ، از انشاء توطئه چه باک ؟ زمانی نباید این حرف‌ها را زد که امکان داشته باشد طرف متوجه کلک بشود و باصطلاح دبه در بیورد . حال که شاه آگاهانه این کلک را می‌پذیرد و آنرا به حساب بزرگ منشی (از کیسه مردم) میگذارد ، چرا آنرا با آب و تاب خود کمپانی‌ها ننویسند تا بورس سهام شرکت‌هایشان هم بالا رود ؟ این برنامه سرمایه‌گذاری به سه طریق عمل میکند :

۱ - از خروج سرمایه عظیم و کمر شکستن از کشورهای امپریالیستی جلوگیری میکند .

۲ - با شرکت دادن کشورهای تولید کننده نفت در منافع محلی کمپانی‌ها در کشورهای متروپول ، این کشورها (کشورهای تولید کننده) مجبور میشوند که جریان نفت را به هر شکل که شده حفظ کنند و گزینه خودشان هم متضرر میشوند .

بخصوص حربه اینست در دست ملك فيصل‌ها علیه افکار عمومی . هر وقت فشار مردم جهت متوقف کردن جریان نفت زیاد شد ، اومیتواند به مردم بگوید که در صورت توقف نفت ، کشورش مقادیر هنگفتی درآمد از دست خواهد داد . اگر پمپ بنزین‌های امریکا بخواهد ، درآمد کشور (و تعبیر او درآمد مردم) کمتر میشود . در مورد ایران با وجود آنکه در شرایط حاضر رژیم کوچکترین توجهی به افکار عمومی ندارد و سیاه راسپید می‌نمایاند معیناً چون همیشه امکان روی کار آمدن يك حکومت رفرمیست (به سلیقه امپریالیست‌ها) هست و یا حکومت فعلی ممکن است مجبور به توجه و یا تظاهر به توجه به افکار مردم شود ، این مسئله صادق میشود .

۳ - سرمایه‌گذاری هنگفت کشورهای تولید کننده در کشورهای امپریالیستی ، باصطلاح ریش آنها را الی الاید در دست امپریالیست‌ها باقی خواهد گذاشت . به حساب سرداگرانه امپریالیست‌ها ، کدام حکومت است که وقتی چند میلیارد دلار در امریکا داشت جرات ملی کردن یا کوچکترین سوء نظر را نسبت به سرمایه‌های امپریالیسم در کشور خود داشته باشد ؟ کدام حکومت است که مجبور نشود

بقیه در صفحه ۳.

اطلاعیه

سیاسی - نظامی - تازه ۱۶



بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران اعدام مستشار امریکایی

هموطنان عزیز و مبارز، توده های ستمدیده

صبحگاه روز شنبه ۱۳ خرداد بخاطر بیمانی که در دفاع از حقوق ستمدیدگان با شما بسته بودیم، یکی دیگر از مهربانان سپاه امپریالیسم تجاوزگر و زور امریکا در ایران، سرهنگ لوئیس هاروکنز - نماینده اداره مستشاری امریکا در ایران، را اعدام کردیم.

ما ستمگین این پیمان را همواره بر دوش خود حمل می‌کنیم و در هر جا و هر زمان که توان آنرا زکلیت با شما دشمنان خلق را آرام نخواهیم گذاشت. ما خون و حیات خود را گواه این پیمان ابدی یا خلق خود قرار داده ایم و هیچ چیزه نه شکستهای جانگیز و خونین و نه رگبار سرخ گلوله و نه شقاوت و سختیهاییکه در مقابل ما - درها و ناگامیهای شمشیر ستم‌پدگان، و بیعت‌دار و ناجز است، باعث نخواهد شد که حتی یک لحظه خلق خود پشت کنیم.

این اعدام تنها یک پاسخ کوچک بود. خوبسایکته تنها طی دو سال، جلا داده بدست شاه - این جزیره کثافت و پلیدی و بفرمان اردلان امریکایی در تیسران راهرواز و استخراج دیگر فرزندان خلق بر زمین ریخت. پاسخ کوچکسی بود بفرمانهای جانگیزانه برادران و خواهران دلیر و انقلابی - این فرزندان دلیر و سرسخت خلق - که هم اکنون نیز در اطرافهای شکست اداره اطلاعات شهرهای وطن انداز است. پاسخی بود به شکست هزاران امیر انقلابی که در چینه های تاریک و ننگ شاه زنده بگور شده اند. پاسخی بود بخون ۱۰ تن دانشجوی دلیر تیریزی و اصفهانی و دختر تبرمان اهوازی که در تظاهرات حق طلبانه دانشجویی اسفند ماه گذشته بر زمین ریخت.

پاسخی بود بخون کارگران قفسیر و بیوزای جهان چیت که با رگبار سلسلههای مزدوران شاه بر جاده کرج ریخته، پاسخی بود بخون اعظم فرد امروزی ۸ سانه که در خیابان سیروس هدف رگبار سلسلههای پلیس قرار گرفت. پاسخی بود خونهای سرخی که در ۱۵ خرداد خونبار بر کتیف‌هایمانها پاشید.

پاسخی است بخون ۱۰۰۰۰ مستشار امریکایی و انگلیسی در ایران و خرید ۱۶ میلیارد تومان اسلحه از امریکا به بهای کرسنگی و فقر سیاه خلق. به منظور کشتار خلقهای ایران، ظلمین و ظفار و انبای نقش‌زاند آرمی در خلق. پاسخی است به غارت و جباول منابع نفتی ما که هم اکنون با تجدید یک قرارداد ۲۰ ساله بخراف گذاشته شده است. آیا فرستادن بیش از ۵۰۰۰ جنرال و کارشناس نظامی به طار برده از روی مقاصد پلیدی اربابان انگلیسی و امریکائیکه شاه دست‌نشانده بر زمین دارد و روشن نمیکند که چرا منابع نفتی برای خرید ۱۶ میلیارد تومان اسلحه به منظور پلیدی صورت می‌گیرد؟ ۱۶ میلیارد تومان اسلحه برای مبارزه با کدام استعمار موهوم سرخ و سیاه خارجی؟ آیا در جیبان استعمار دیگری بجز ستم‌بین ابدی شما امریکا و انگلیس وجود دارد که مردم جهان از آن بخرزند؟ این استعمار موهوم در کدام نقطه زمین با آسمان زندگی میکند؟ ولایت همه مستشاران امریکایی و انگلیسی هم برای این خدمت بزرگ خلق ستم‌پد ایران گله گله ابرارن می‌آیند که از نزدیک بر اجزای نقشه های شیطانی و جنایتکارانه شما که برای خلقهای ستم دیده منطقه کشیده اید نواخت کنند. احق تصور کردن مردم دلیل بر حماقت شما و اربابان ستم است.

نگار امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و شاه خون آلود دل نوحش کند که با جاری کردن سیل خون و غریزهای گزاف خلق و فرزندان پرورشدهنده را باوش ساخته اند. جنش دوزان بلوغ بود را از سر مقدراند و سرزنشده استوار

گذرگاه پیروزی را می‌بورد. از این پس بر پاسخ این خونبار را - تا آنجا که توان داشته باشیم - با خون مستشاران امریکایی و انگلیسی و اسرائیلی خواهیم داد. اگر دشمن تصور میکند که ما نمیتوانیم بفرمانهای جانگیزانه آندسته از برادران و خواهران قهرمان خود که در رز شکستهای خونبار، جان میدهند، پاسخ دهیم، اگر دشمن تصور میکند که ما نمیتوانیم از برادران مجاهد و انقلابی خود که هم اکنون در زندان شیراز در اثر هجوم گماندوهای ساواک و پلیس بخال برگ افتاده اند و دشمن تحت وحشیانه - سرسختیها قفس کشن تدریجی آنها را دارد، دفاع کنیم، از عم نخواهد توانست جان ۱۰ هزار مستشار امریکایی و انگلیسی و صدها هزار مزدور و جاسوس و زدی که در گردا گرد خود جمع کرده است حفظ کند. ما همانطوریکه خود را آماده تدان نبرد بر علیه امپریالیسم و در رأس همه امپریالیسم امریکا می‌بازیم، در مقابل جنایتهای روز افزون دشمن نیزس آرام خواهیم نشست و در صورت لزوم به اعدام فردی نیز متوسل میشویم. ما هرگز اعتقاد نداریم که با اعدام این تن یا آن تن خلق خود، توانست از جنگال محول امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و تیرکان خون آشامان نجات پیدا کند. نجات در اعدام همه نیاید و اساساً برپیش سلطنتی و قطع دستهای تجاوزکاران امپریالیست در خلال یک جنگ دراز مسدود طاقت‌فرسا ممکن است. ولی آیا ما خواهیم توانست چنین مناسبات ظالمانه را که بر بهره کشی از جان فقها استوار است نابود کنیم بدون اینکه نه ضمن این مناسبات را چه یک تک و چه دسته دسته و نابود کنیم. هرگز - انقلاب تنها یک وسیله برای دمار از دعواز حقوق و پیکار با دشمن خلق می‌باشد: **اسلحه!** انقلاب در اینجا و در همه جا، در این زمان و هر زمانی تنها یک پاسخ به خیانت و مردم کش می‌باشد: **جیش مسلحانه**، جنگ انقلابی و کشتار ستمان فلسفی! بنابراین اعدام هاروکنز تنها پاسخ بسیار کوچکی بود به خشونت‌های دشمن نسبت به خلق و فرزندان انقلابیست و بین آنچه چگونه میتوان پیشامد انقلابی خلق بود و در برابر همه فجایع خاموش ماند. چگونه میتوان در برابر این همه ستم و پلیدی دست‌باز دست گذاشت؟ ما چگونه میتوانیم بنامنا گیم که آن نامش خون آشامی که خون دهها کارگر و قفسر را در یک لحظه در جامه کرج بر زمین میریزند، راست راست بروی زمین راه برود و خود را برای جنایت‌های دیگر آماده کند. در ستم‌پیمانی دلیل بود که سولشگر طاموسی - این قاتل حرفه ای - را اعدام کردیم.

مراسم اعدام سرهنگ هاروکنز در دست درها، نظاتی از ستم‌پد دم انجام شد که در همان لحظات و در سببه دم های پیش از فرزند ان انقلابی و دلیر شما مردم را گوله باران می‌کنند. اعدام سرهنگ هاروکنز مخصوصاً بوسیله یکی از ۲۰ قبضه سلاح امریکایی انجام شد که در تاریخ ۱۵ اردیبهشت بوسیله برادران مجاهد ما از زندان ستم‌پرانی ساری حاصل شد. و تنها با شلیک گلوله بغز و قلب خائن بخائن خانه داده شد. خائن در همان ثانیه اول هلاک شد و افسوس که مرگ این خائن بسیار آسانتر از شهادت برادر مجاهد مهدی رضایی - انقلابی ۱۱ ساله - بود که بعد از چهار ماه شکنجه جان‌سوز را گرفتند. کیف دشمنی پر از مدارک اطلاعات خائن را بفرمان آوردیم و بزودی سند خیانت‌های شاه را در معرض نمایش شما قرار خواهیم داد. ما در انجام این عمل از گله تجار خود طی دو تئیسال جنگ شهری بی‌سره گرفته و عمل با پیروزی کامل توأم بود.

گراسی بساد خاطر همه همگی فرزندان شهید خلق هر چه بر ظننن تریباد غریبو سلسلههای آزاد بینش برقرار بساد منت انتقام از خائنین و آدمکشان مرکز بر امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و نوکر پلیدشان شاه خون آشام

مجامع مدین خلق ایران

۱۵ خرداد ۵۲ برابر با دهم سال لگرد جنایت خونین شاه

بقیه - سرمایه گذاری

گاهی زخم باندازه کافی دردناک است ولی معالجه‌ی (و یا بهتر بگوئیم بیمارانی) پیدا میشوند که نمک به زخم می‌پاشند. امضا قرارداد کافی نبود استقبال و جشن و عوامفریبی بس نبود، ذوق زدگی دشمن را تماشا کنید:

هموطن! این وضع کشور ما و این ماهیت مکرران آن است. این ثروت ماست و ثروت اولاد ما که چنین به یغمايش میرند و بعد هم رشخندمان میکنند. بیا خیزیم! و نگذاریم تمسخر تویم. نگذاریم مارا بازی دهند. نگذاریم که با ما را هموطنان ما گستاخی کنند. هم امروز، برادران و خواهران ما، نه در حرف بلکه در عمل، برای ما، برای کشور ما و مردم ما می‌جنگند. آنها تنها سندهای راه این دزدان هستند. وظیفه ماست که به یاری آن بشتابیم. به یاری آنانی که جسارت امپریالیسم را دل‌رانسه جواب میدهند. با آنان همگامی کنیم و همان هر منافقی را با مشت بکوبیم. با آنان دوستی کنیم و با همه پشتیبانان دشمن بجنگیم. بگوشیم، سهمی - ولوناجیز - در اعاده شرف انسانی خود هموطنانمان داشته باشیم. بگوشیم تا فریادها و بولتها را نقش بر آب کنیم. در این راه دراز ما با ردیم و مردم با ما بر خیزیم!

پیروزی ایران در مذاکرات و عاملیت مطلق
و اداره کامل صنعت نفت بدست ایرانی را بطراح اصلی آن

شاهنشاه آریامهر تبریک عرض نموده
توفیق ملت ایران را در راه اجرای برنامه های عمرانی آرزومند است

شرکتهای شل در ایران



Shell

ظفر مند باد جنک عادلانه خلق

